

## جامعیت قانون گذاری قرآن در حوزه خانواده\*

مرضیه محمص\*\*

### چکیده

اعجاز تشریحی به معنای شگفتی محتوایی و اتقان احکام انسان ساز و سعادت آفرین قرآن کریم یکی از وجوه متعدد اعجاز قرآن از منظر مسلمانان می باشد. در عصر حاضر، گزاره های مؤید بی مانندی قرآن در بُعد قانون گذاری، ضمن تأکید بر فرازمانی و فرامکانی بودن تعالیم بیش از پیش مورد اهتمام قرآن پژوهان قرار گرفته است.

در این نوشتار پس از مفهوم شناسی و ذکر پیشینه نگرش به این وجه، به طور خاص تشریحات قرآنی در حوزه خانواده که مهم ترین پایگاه تعالی مادی و معنوی انسان به شمار می رود، مورد دقت قرار گرفته است و تلاش شده در دو بخش تحلیلی به جنبه های اعجاز گونه قرآن کریم در حوزه خانواده بپردازد. در بخش اول از بارزترین مبانی تشریحات قرآنی سخن به میان رفته است. اهتمام به کرامت انسان ها، نفی برتری های جنسیتی، تناسب حقوق و وظایف و اخلاق محوری از جمله این مبانی است.

در بخش دوم جامعیت تشریحات در حوزه خانواده با استناد به آیاتی که ضمن سبب شناسی تشکیل خانواده، به ترسیم روابط زوجین با یکدیگر و فرزندان با والدین اختصاص یافته، کارکردهای مختلف خانواده را تبیین نموده و ضوابطی جهت حل اختلافات در این ساختار ارائه داده است.

طرح چنین سطحی از قوانین، با دورنمای منحنی حاکم بر عصر جاهلی و در مقایسه با تعالیم کتاب های آسمانی پیشین در حوزه خانواده از جمله ادله ای است که اذعان به خارق العاده بودن تشریحات قرآنی در حوزه خانواده را نتیجه می دهد.

**واژگان کلیدی:** قرآن، معجزه، اعجاز تشریحی، خانواده، قانون گذاری.

\* . تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۹ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۷/۳

\*\* . دکترای علوم قرآن و حدیث Mohases2012@yahoo.com

## بیان مسأله

قرآن کریم در بردارنده احکام و مقرراتی است که پیروی از آن، تنظیم حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها را موجب می‌گردد. قرآن پژوهان یکی از ابعاد هم‌اوردطلبی قرآن را بر بیاناتی ناظر دانسته‌اند که منبع احکام و تشریحات اسلامی قرار گرفته است. از این منظر، این احکام را با تمامی خصوصیات و جامعیت نمی‌توان در سایر قوانین حقوقی شرایع پیشین ملاحظه نمود. از سوی دیگر، ارائه مقرراتی با برخورداری از اتقان، تفصیل و محوریت نظم‌بخشی به حیات فردی و اجتماعی در محدوده‌ای محروم از آثار تمدنی، موضوعی بسیار شگفت‌آور است.

در یک نگرش کلی، حوزه تشریحات قرآنی مجموعه قوانین و مقررات فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد و پرداختن به تمامی ابعاد مجالی موسع را می‌طلبد؛ لذا در نوشتار حاضر، تنها اعجاز قرآن کریم در حوزه مقررات مرتبط با خانواده مورد دقت قرار می‌گیرد.

در عصر کنونی، شیوع مفاسد اخلاقی و نارسایی قوانین عرفی منتج از انحلال و رو به ضعف گراییدن خانواده‌ها، عرصه توجه بیش از پیش به اعجاز تشریحی قرآن کریم را در حوزه خانواده فراهم نموده است.

در این تحقیق به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود که مبانی تشریحات قرآنی در حوزه خانواده چیست؟ جامعیت تشریحات در حوزه خانواده چگونه اثبات می‌شود؟ طرح تشریحات قرآنی در حوزه خانواده در مقایسه با سنت‌های رایج جاهلی و کتاب‌های آسمانی پیشین چه تفاوت‌هایی دارد؟

## مفهوم‌شناسی

صاحب‌نظران علوم قرآنی از نوع برتری ساختاری و محتوایی قرآن کریم، با عنوان «اعجاز» یاد کرده‌اند. جامع تعاریف ارائه شده از اصطلاح اعجاز در کتاب‌های مختلف عبارت است از اینکه اعجاز، امری خارق قوانین جاری طبیعت می‌باشد و به منظور اثبات ادعای نبوت، توسط مدعی پیامبری انجام می‌گیرد و به گونه‌ای است که دیگران از ارائه همانند آن ناتوانند (ر.ک: سیوطی، الاتقان، ۳/۴؛ معرفت، التمهید، ۲۳/۴).

تشریح از ماده شرع به معنای دستیابی به آب (ابن منظور، لسان العرب، ۱۷۵/۸) و در اصطلاح دال بر قانون گذاری و دستورات خاص الهی به بندگان می باشد (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۴۵۰/۱). بر این مبنا اعجاز تشریحی قرآن به معنای اعجاز قرآن کریم در حوزه قوانین و مقررات مطرح شده در آیات الهی می باشد و ناظر بر این بحث است که قوانین موجود در قرآن با جامعیت و مصلحت اندیشی خویش، هرگز سابقه نداشته، متناسب با مفردات زندگی تمامی عصرهاست، به موازات تطور و تکامل انسان در طول تاریخ همواره قابل تحدی می باشد و بدین ترتیب، حقانیت پیامبری رسول اکرم ﷺ را اثبات می نماید.

### پیشینه

از آغاز تدوین آثار علوم قرآنی تاکنون، ابعاد متعددی از اعجاز قرآن همچون اعجاز بیانی، علمی، غیبی، معارفی و... تبیین شده است. دستیابی مسلمانان در اعصار مختلف، به نکات جدیدی که مسبوق به سابقه نبوده، شاهدهی بر جاودانگی و بقای کتاب آسمانی پیامبر خاتم ﷺ می باشد؛ چرا که از این رهگذر، عدم انحصار قرآن کریم به زمان و مکان خاصی اثبات می گردد.

هرچند زمینه های طرح این وجه از وجوه اعجاز قرآن کریم در آثار پیشینیان یافت می شود (ر.ک: باقلانی، اعجاز قرآن، ۴۷؛ بلاغی نجفی، آلاء الرحمن، ۱۳/۱)، می توان اذعان داشت که توجه معاصران بدین وجه فزون تر بوده است (ر.ک: خوبی، البیان، ۷۲-۷۹؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۶۰/۱؛ معرفت، التمهید، ۲۱۱/۶-۳۳۰). در عصر حاضر کتاب هایی خاص این وجه از اعجاز را رصد نموده اند که برای نمونه می توان به *اعجاز التشریحی فی القرآن الکریم* از علی احمد محمد باکر، *القرآن و اعجازه التشریحی* از اسماعیل ابراهیم و *القرآن و بنیته التشریحیه* از وهبه الزحیلی، اشاره کرد.

### ۱. مبانی تشریحات قرآنی در حوزه خانواده

غرض از مبانی در این مقاله آن دسته از پیش فرض ها و باورهایی است که در دیدگاه نگارنده، از جمله وجوه اعجاز گونه تشریحات قرآن کریم در حوزه خانواده است. بر پایه این مبانی، جامعیت تشریحات قرآن کریم در این حوزه تعیین می گردد.

## ۱-۱. اهتمام به کرامت انسان‌ها

کرامت خصیصه‌ای سرشتی در وجود انسان و حاکی از عنایت ویژه خداوند به نوع بشریت است (اسرا/۷۰؛ تین/۴؛ حجر/۳۹؛ ص/۷۲). ارزشمندی انسان به دلیل توان تشخیص و انتخاب‌گری مستلزم آن است که تمامی شئون فردی، خانوادگی و اجتماعی در راستای کرامت به عنوان یک اصل کلی باشد. منشأ این کرامت از صفات، نیروها و استعدادهای بسیار با اهمیت است که با به کار انداختن آنها و تکاپوی مخلصانه در مسیر حیات معقول به اتصاف به کرامت عالی ارزشی نائل می‌گردد (جعفری، حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، ۲۸۰). از این جهت، همه انسان‌ها از یک گوهرند و هیچ کس را بر دیگری فضیلت و برتری مفروض نیست. این اصل تنظیم‌کننده بسیاری از روابط انسانی و حافظ بسیاری از ارزش‌های فردی و اجتماعی است. انسانی که خود را ارزشمند بداند، کرامت دیگران را نیز پاس می‌دارد. در تفکر اسلامی بالاترین جهالت، عدم آشنایی با کرامت و شخصیت خویشتن است. انسانی که کرامت ذاتی را از جانب پروردگارش به ارمغان آورده، بر اساس نوع بینشی که از جایگاه خود در نظام هستی داراست، ارزش‌ها و نقش‌های پیرامونی را می‌پذیرد (عمید زنجانی، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، ۳۵۰).

پاسداشت کرامت انسان‌ها که در تمامی ابعاد قانون‌گذاری اسلامی هویداست، در حوزه خانواده، پایه تحولات مثبتی شده و افراد را در التزام به حقوق متقابل پایبند می‌سازد. بر این مبنا از یکسو تمامی احکام و تشریحاتی که به نوعی وظایف متقابل اعضای خانواده را تشریح می‌کند، عنایت به کرامت انسانی هر یک داشته است. از سوی دیگر، تشریحاتی همچون اجتناب از روابط نامشروع افراد متأهل (احزاب/۳۴؛ نساء/۲۵؛ مائده/۵) و لزوم توجه به حضور عقیقانه در فضاهای خارج از خانواده (نور/۶۰؛ احزاب/۵۹ و ۵۵؛ اعراف/۱۹ و ۲۴؛ طه/۱۲۱) در مقام عمل، دستوراتی برای صیانت از کرامت انسانی افراد به شمار می‌آید.

## ۱-۲. پذیرش تفاوت جنسیتی همراه با نفی تبعیض

در تعالیم قرآنی بر وحدت و اشتراک ماهوی زن و مرد تأکید شده (قیامت/۳۶-۳۹؛ فاطر/۱۱؛ نساء/۸؛ نمل/۹۷) و هر دو جنس از باب تشریف و تعظیم، به عنوان ظرف

برخورداری از روح الهی معرفی شده‌اند (سجده/۷-۹؛ مؤمنون/۱۲-۱۴).

نگرش به تفاوت‌های زنان و مردان و به تبع آن نقش تعریف شده برای هر یک در قرآن کریم، عادلانه و منطبق بر واقعیت است؛ به عبارت دیگر، نه اصل وجود تفاوت انکار می‌شود و نه این تفاوت، وجهه تمایز یافته و به نحو افراطی برجسته می‌گردد، بلکه نقش مناسب هر جنس تعریف شده است. در این شاکله، زن و مرد به یک اندازه از انسانیت بهره برده‌اند و توانمندی سبقت گرفتن از یکدیگر در دستیابی به کمالات معنوی و علمی را دارا می‌باشند (آل عمران/۱۹۵؛ نساء/۱۲۴؛ نحل/۹۷؛ بقره/۱۴۸؛ حدید/۲۱).

در تشریحات قرآنی قوانین ویژه‌ای برای حفظ منزلت زن قرار داده شده و به موازات آن، وظایفی نیز برای مرد تعیین گردیده و بدین ترتیب، الگوی تقسیم کار اسلامی در حوزه خانواده ارائه شده است. در این نظام، مرد، سرپرستی است که به حکم اخلاق اسلامی باید از استبداد نظر، اجحاف و تعدی خودداری نماید (نساء/۳۴). این نوع تعریف از سرپرستی نه تنها برتری ارزشی مرد بر زن را تداعی نمی‌کند، بلکه تعهدات مرد نسبت به زن و فرزندان را نمایان می‌سازد.

نگاه غیر نظام مند به احکام قرآن در حوزه خانواده سبب شده برخی از مسلمانان، احکام حقوقی این حوزه را تبعیض آمیز و متأثر از فرهنگ جاهلیت قلمداد نمایند. حال آنکه اگر تمامی این احکام را در یک مجموعه مورد توجه قرار دهیم، روشن می‌شود که در قرآن هیچ تبعیضی به دلیل زن یا مرد بودن اعمال نشده است. همگان در برخورداری از حق حیات همانند هستند، لذا از رسم دخترکشی در فرهنگ زمانه به شدت انتقاد شده است (نحل/۵۹؛ تکویر/۸-۹). همگان در برابر تکالیف الهی و بهره‌مندی از پاداش خداوندی یکسان هستند؛ (احزاب/۳۵). قرآن به زن و مرد در عقوبت‌های شرعی که قریب به کانون خانواده است همچون متهم کردن زنان پاک‌دامن به بی‌عفتی (نور/۴) و زنا (نور/۲) جنسیت ۳۷ را مورد ملاحظه قرار نمی‌دهد. همچنین میان زن و مرد در بهره‌گیری از اموال شخصی تفاوتی نمی‌گذارد (نساء/۴؛ بقره/۲۳۶). با وجود این، وظایفی که بر دوش هر یک می‌نهد، متفاوت است و این ناشی از تفاوت روحیه و توانمندی جسمانی زنان و مردان است. این تفاوت‌ها موجب تفاوت نقش‌ها در بنیان خانواده می‌شود.

### ۳-۱. تناسب حقوق و وظایف

وجود تفاوت‌های تکوینی بین زن و مرد سبب شده، هر یک از استعدادها و روحیه‌هایی متناسب با مسئولیتشان در نظام آفرینش برخوردار باشند. با توجه به هدفدار بودن مجموعه نظام آفرینش و تفاوت‌های پیش‌بینی شده در پدیده‌ها برای نیل به غایتی معین و هموارسازی مسیر دستیابی موجودات به غایت خویش، بدون تردید کیفیت تشریحات باید متناسب با تفاوت‌های فراگیر و به فراخور استعداد و توانمندی مکلفان باشد؛ به عبارت دیگر، در چنین مجموعه‌ای، وضع قوانین یکسان و الزام برابر مکلفان به وظایفی واحد، در مقام عمل، نوعی تعارض تکوین و تشریح را نتیجه خواهد داد و به ناهنجاری و بحران ختم می‌گردد. از آنجا که غایت وضع قوانین، تأمین به حق نیازمندی‌ها و آماده ساختن عرصه حیات برای بالندگی استعدادهای انسانی و احقاق حقوق آحاد جامعه است، لزوماً می‌بایست تکالیفی هماهنگ و متناسب با نقش‌های طبیعی برای هر یک وضع گردد.

در این راستا در آیات قرآنی بر فزونی درک عاطفی زنان و بالتبع تأثیرگذاری این خصیصه بر چگونگی حضور آنان در فضاهای مختلف تأکید شده است (زخرف/۱۸). از دیگر سو، شدت عاطفه مانعی در نگرش واقع‌بینانه به مسائل است. ناگفته هویداست تفکر ژرف‌نگرانه در فضایی میرای از احساسات تحقق می‌یابد. بر این مبنا نقش مدیریتی خانواده که نیازمند نگرشی منطقی به امور زندگی است، بر عهده مرد نهاده شده است (نساء/۳۴).

### ۱-۴. اخلاق محوری

اخلاق، متصف شدن به صفات نیکو از طریق اصلاح و تعدیل تمایلات درونی انسان است (طوسی، اخلاق ناصری، ۴۸). بخش قابل توجهی از تعالیم قرآنی، توصیه‌هایی اخلاقی به شمار می‌روند که با توجه به خصوصیات سرشتی انسان‌ها، مبتنی بر واقع‌نگری، تابع مصلحت و بازدارنده از افراط‌ها و تفریط‌هاست. این توصیه‌ها در حوزه خانواده ظهور و بروز جالب توجهی دارد.

در نگرش قرآنی از آنجا که خانواده، کانون تربیت و شکل‌گیری شخصیت انسان است، وارستگی و نیکویی در ترسیم وظایف تمام ارکان خانواده مورد توجه قرار گرفته است. می‌توان

گفت بنیان نهاد خانواده در نگاه قرآن، به رغم وجود اختلاف‌های فکری، فرهنگی و قومی گوناگون بین همسران، بنیانی اخلاقی و شکل گرفته بر اساس مودت و رحمت است (روم/۲۱). بررسی آیات مرتبط با موضوع خانواده گویای این حقیقت است که در دیدگاه اسلامی بنیان ارتباط همسران بر اساس صلح و همراهی می‌باشد. در این دیدگاه، سازگاری همسران، به حداقل رسانیدن زمینه‌های بروز تنش و نزاع میان آنان با هدف دستیابی به هدفی والاتر قلمداد شده است. خداوند می‌فرماید: ﴿عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنَّ كَرِهَتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾ (نساء/۱۹) «با آنان، به طور پسندیده رفتار کنید. و اگر آنان ناخوشایندتان بودند، پس (فوراً تصمیم به جدایی نگیرید)، چه بسا چیزی ناخوشایند شماست و خدا در آن خیر فراوانی قرار می‌دهد».

در این آیه تصریح می‌شود، به هنگام بروز اختلافات در زندگی خانوادگی، مدارا و سازگاری خردمندانه، بستر اصلاح روابط و رویارویی صحیح با امور را فراهم می‌آورد. تعدد مصادیق پیرامون توجه به امور اخلاقی در تشریحات مربوط به روابط والدین و فرزندان دلالت بر اهمیت این موضوع دارد (ر.ک: عنکبوت/۸؛ بقره/۸۳؛ انعام/۱۵۱؛ احقاف/۱۵؛ اسراء/۲۳).

## ۲. جامعیت تشریحات قرآنی در حوزه خانواده

بررسی تشریحات قرآن کریم گویای این امر است که خانواده به عنوان رکنی محوری در نظام اسلامی، از ابعاد گوناگون محل توجه شارع مقدس بوده است. جامعیت تعالیم ناظر به مبحث خانواده در چندین مجموعه جالب توجه می‌باشد.

### ۱-۲. سبب‌شناسی تشکیل خانواده

۳۹

قرآن کریم جایگاه کانون خانواده را در نگرش الهی به شایستگی تبیین نموده است. در این راستا تشویق و ترغیب تمامی انسان‌ها به ازدواج (نور/۳۲) و نوید دستیابی به آرامش از این رهگذر (اعراف/۱۸۹؛ روم/۲۱)، مقدماتی است که مخاطبان پیام الهی را به پاک‌دامنی و گرایش به مشارکت ارزشمند در این نهاد رهنمون می‌سازد. در اندیشه قرآنی ازدواج پذیرش سنت الهی زوجیت و همگرایی با فطرت اخلاق‌مدارانه بشر است (لیل/۳؛ ذاریات/۴۹).

تکثیر نسل پاک (شوری/۱۱) از دیگر دلایل عقد پیمان ازدواج برشمرده شده است. به موازات این موضوع، احراز شرایطی همچون همسانی از نظر ایمانی برای تحقق آرامش راستین مورد توجه قرار گرفته است (بقره/۲۲۱؛ نور/۲۶).

جامعیت تعالیم قرآنی پیرامون شکل‌گیری ابتدایی خانواده تا بدانجاست که به تفصیل ممنوعیت‌های مربوط به ازدواج بیان شده (نساء/۲۲) و ضوابطی برای ازدواج در شرایط خاص تعیین گردیده است (نساء/۲۴).

## ۲-۲. ترسیم وظایف متقابل همسران

استمرار روابط مطلوب و رضایت‌بخش و تحقق سازگاری در حوزه خانواده منوط به وجود مرجعی است که وظایف هر یک از ارکان اصلی این نهاد را تعیین نموده باشد. تعالیم قرآنی در ترسیم وظایف متقابل همسران، متناسب با ابعاد روان‌شناسی و جامعه‌شناسی آنهاست. توجه به عناصر زیبایی‌شناختی و عاطفی در زنان و آمادگی افزون‌تر مردان برای مقابله با تنیدگی‌های اجتماعی در یکایک دستورات قرآنی ملاحظه می‌شود. از این طریق، زمینه انسجامی که لازمه زندگی مشترک است، مهیا می‌گردد.

از جمله تشریحات قرآنی که به وظایف مردان نسبت به همسران اشاره دارد، آیاتی است که به موضوع پرداخت رضایت‌مندانانه مهریه در زمان عقد نکاح یا انحلال آن (نساء/۴؛ بقره/۲۳۶؛ طلاق/۷)، برقراری ارتباط محترمانه و مشفقانه (نساء/۱۹)، تأمین رفاه متناسب با شئون و شایستگی‌های زنان (بقره/۲۳۳)، انطباق انتظارات با محدوده مسئولیت‌ها (نساء/۳۴)، توجه به تنظیم رفتار جنسی (بقره/۲۲۲)، خوش‌رفتاری حتی در شرف طلاق (بقره/۲۲۹)، بذل عفو و گذشت (تغابن/۱۴)، صیانت همسر از آلودگی به انواع گمراهی‌ها (تحریم/۶؛ طه/۱۳۲)، اتخاذ تدابیر مناسب در برابر بدرفتاری‌ها (نساء/۳۴) و همفکری در تصمیم‌گیری‌ها (بقره/۲۳۳) می‌پردازد.

همچنین همراهی همه جانبه با شوهر، وفاداری، رفتار شایسته (نساء/۳۴)، رازداری (تحریم/۳) و همفکری در اتخاذ تصمیمات امور منزل (بقره/۲۳۳) از مهم‌ترین وظایفی است که پایبندی زنان بدان را می‌طلبد.



## ۲-۳. ترسیم وظایف والدین و فرزندان

قرآن کریم از فرزند نیکوکار با عنوان زینت زندگی (کهف/۴۶)، دارایی دنیوی (آل عمران/۱۴)، موهبتی الهی (نحل/۷۲)، یاری گر والدین (شعراء/۱۳۳؛ اسراء/۶)، نور چشم بندگان با ایمان (فرقان/۶۳ و ۷۴) بشارت خداوند به پیامبران (آل عمران/۳۸) و ابزار آزمایش الهی (انفال/۲۸؛ تغابن/۵) یاد نموده است. نکته جالب توجه آنکه وظایف والدین در برابر فرزندان از منظر قرآن کریم، در حیطه‌های توجه به نفقه آنان (بقره/۲۳۳) و برنامه‌ریزی جهت تحقق تربیت دینی فرزندان (تحریم/۶) به طور خاص مطرح نظر قرار داده شده است. ارشاد فرزندان به مسیر حق و آشناسازی آنان با وظایف اخلاقی و اعتقادی، وظیفه‌ای است که خداوند متعال از والدین مطالبه نموده است (بقره/۱۳۲؛ لقمان/۱۳-۱۹).

رعایت عدالت در محبت به فرزندان (یوسف/۷ و ۹)، دعای مخلصانه برای آنان (ابراهیم/۳۵ و ۳۷؛ آل عمران/۳۶؛ یوسف/۹۷ و ۹۸؛ صافات/۱۰۰ و ۱۰۱)، دفاع از آنان در برابر ظلم دیگران (نساء/۷۵)، اختصاص دادن ارث به آنها (نساء/۱۱) و لزوم مشورت در امور مرتبط با آنان (صافات/۱۰۲) نیز از مطاوی قصص قرآنی برداشت می‌گردد.

در مقابل، برشمردن وظایف فرزندان در برابر والدین حاکی از این است که برخورد محترمانه با والدین (اسراء/۲۳ و ۲۴؛ لقمان/۶۵)، رعایت ادب در ورود به حریم والدین (نور/۵۸)، نیک رفتاری با والدین (احقاف/۱۵ و ۱۶؛ عنکبوت/۱۸ و ۱۹؛ نساء/۳۶ و ۴۰)، بذل توجه به والدین در سنین کهولت (اسراء/۲۳)؛ لزوم اطاعت از پدر و مادر (احقاف/۱۷ و ۱۸؛ صافات/۱۰۲-۱۰۳ و ۱۰۷)، برخورد متواضعانه (اسراء/۳۶ و ۳۳-۲۴) مقرراتی است که همواره فرزندان نسبت به رعایت آن سفارش شده‌اند. در فرهنگ قرآنی رضایت خداوند، منوط به رضایت والدین است و نارضایتی والدین، ناخشنودی خداوند را در پی خواهد داشت (لقمان/۱۴)؛ بنابراین رعایت تشریعات نسبت به والدین، مسئولیتی الهی برشمرده شده است (لقمان/۱۴).

## ۲-۴. تعیین ضوابطی برای حل اختلافات

دستیابی به کمال و آرامش که از مؤلفه‌های اصیل خانواده در نظرگاه قرآنی است، به دلیل بروز عواملی اختلال می‌یابد و پیامدهای زیانباری را متوجه اعضای خانواده و بالتبع جامعه می‌نماید. تعدد تعالیم پیشگیرانه از بروز اختلافات خانوادگی در قرآن کریم همچون

تشویق به عفو، گذشت و احسان دلالت بر این موضوع با اهمیت دارد که برای حل اختلافات خانوادگی، راهکارهای اخلاقی بر راهکارهای حقوقی تقدم یافته است (نساء/۳۵ و ۱۲۷). در این نگرش نه تنها از تمامی راهکارهای درون خانوادگی برای حفظ و نگهداری بنیان خانواده استفاده شده (نساء/۳۴)، بلکه از روش‌های برون خانوادگی همچون استفاده از تجارب، دلبستگی‌ها و نفوذ کلام بستگان یاد شده است (نساء/۳۵).

در آیه ذیل عفو و گذشت به عنوان یکی از راهکارهای حل اختلافات مطرح شده است:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدَاؤُكُمْ فَأَحْذَرُوهُمْ وَإِن تَعَفَوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَعَفَّرُوا فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ ﴾ (تغابن/۱۴)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حقیقت، بعضی از همسران شما و فرزندان شما دشمن شما هستند، پس، از آنان بی‌مناک باشید؛ و اگر ببخشید و درگذرید و بیامرزید، پس به راستی خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است».

موضوع حل اختلافات خانوادگی، در نگاه قرآنی باید با ملاحظه مصلحت اندیشی‌های اخلاقی و پرهیز از آزار متقابل انجام گیرد (نساء/۱۲۸). قرآن کریم از اعضای خانواده به «خود» تعبیر کرده است (نور/۶۱)؛ به عبارت دیگر، در این دیدگاه، اعضای خانواده به نوعی یگانگی رسیده‌اند، لذا در داوری‌های اصلاحی با هدف وصول به تفاهم، قبل از مراجعه به دادگاه‌ها، صلاحیت داوری به خویشاوندان داده شده است.

در موضوع طلاق نیز هر چند فضای کشمکش و نزاع بر طرفین غلبه دارد، اما مردان در موضوع پرداخت مهریه، توصیه به عفو و احسان شده‌اند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَ قَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنَصِفْ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا إِلَيْهِ عَقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلَّهِ قَبُولًا وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴾ (بقره/۲۳۷)؛ «و اگر آنان را، پیش از آنکه با آنان تماس بگیرید و در حالی که مهری برای آنها تعیین کرده‌اید، طلاقشان دهید، پس نصف آنچه را تعیین کرده‌اید (به آنان بدهید) مگر اینکه [آنان] ببخشند؛ یا کسی که پیوند ازدواج به دست اوست، ببخشد. و گذشت کردن (شما) به خودنگه‌داری نزدیک‌تر است. و بخشش را در میان

خودتان فراموش نکنید، که خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست».

### ۳. تشریحات قرآنی پیرامون خانواده در مقایسه با سنت‌های عصر جاهلی

عصر جاهلی در تعریفی اعم، دوران پیش از ظهور اسلام است و از منظر اسلام‌پژوهان با غلبه خصوصیات همچون خشونت، سفاهت، خودپرستی مبرز شده است (آلوسی، بلوغ الادب، ۱۵/۱).

تشریحات قرآنی در حوزه خانواده به نحو شگفت‌آوری، در صدد تصحیح انحراف‌ها و اجحاف‌های جاهلیت مقارن عصر نزول است. یکی از موضوعاتی که در آن عصر، پیدایی نابسامانی‌های بسیاری را موجب گردید، شیوع ازدواج‌هایی با مختصات غیراخلاقی بود. نکاح مقت یا جواز نکاح فرزندان با نامادری پس از مرگ پدر (طریحی، مجمع البحرین، ۲۱۷/۴) به صراحت در آیات قرآنی نکوهش شده است (نساء/۲۲). نکاح شغار یا نکاح فارغ از مهریه (طوسی، المبسوط، ۲۰۸/۴) و نکاح الخدن که نکاحی بدون مهریه و نفقه و به نوعی زنا می‌ماند بود (طبرسی، مجمع البیان، ۳۴/۲) نیز با توجه به آیات قرآنی (نساء/۲۵) باطل اعلام گردید. نکاح با دو یا چند خواهر به طور همزمان با یک مرد از دیگر سنت‌های جاهلان‌های بود که به موجب آیاتی از قرآن (نساء/۲۳) صراحتاً مذمت و ممنوع گردید. نکاح استبضاع از طریق وادار ساختن زنان به باردار شدن از مردان دیگر به امید ایجاد فرزندی با خصوصیات ظاهری خاص (نوی، المجموع، ۱۲۹/۱۶؛ ابن منظور، لسان العرب، ۱۴/۸) و همچنین نکاح رهط که نکاح همزمان عده‌ای از مردان با یک زن بود (فیروزآبادی، ۳۶۱/۲)، نوع دیگری از ازدواج‌های غیراخلاقی در عصر جاهلی بود که با تشریح اسلامی مبنی بر لزوم تک همسری زنان منسوخ گردید. تعدد زوجات (چند زنی) نیز به موجب نزول آیات قرآنی، تحدید و تقیید گردید؛ به عبارت دیگر، گستردگی نامحدود امکان ازدواج برای مردان که در جاهلیت مرسوم بود، به تعدادی خاص محدود شد و افزون بر آن، مستلزم تحقق شرط عدالت و انصاف در امور زندگی زنان گردید (نساء/۳ و ۱۲۹).

در اندیشه قرآنی ازدواج مایه حفظ دین و موجب حفاظت از فطرت و کرامت انسانی است. پیشنهاد الگوی ازدواج دائم (نساء/۳) و سپس ازدواج موقت به عنوان سد طریق فحشاء و قطع ریشه‌های فساد در شرایط اضطراری (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۴۷)، رویکرد اخلاقی اسلام بدین موضوع می‌باشد.

در سایر تشریحات مرتبط با حوزه خانواده نیز قرآن کریم با نگاهی اصلاحی به اوضاع خانواده در فرهنگ منحنط جاهلی، در صدد است با ارائه عناصری جدید، نظامی متعالی بنیان نهد. روش طلاق در میان رسوم جاهلی نیز از جمله عرصه‌هایی است که با نزول آیات قرآنی به نحو قابل توجهی متحول گردید. طلاق در جزیره العرب همچون ازدواج، با سنت‌های ظالمانه و دور از انصاف و منافی با اخلاق توأم بود و بدون هیچ مقدمه و شرطی، از سوی مرد اعمال می‌شد (نوری، اسلام و عقاید و آرای بشری، ۶۰۳). متارکه زناشویی در جاهلیت به دو صورت طلاق صریح (در قالب جملاتی همچون تو را آزاد کردم، هر جا می‌خواهی برو، تو مانند این شتر آزاد هستی، نزد خانواده‌ات برو،...) و طلاق کنایی (به صورت ترک ناگهانی محل زندگی) انجام می‌گرفت (همان، ۶۱۵). با ظهور اسلام، انواعی از طلاق‌های صریح لغو شد (مجادله/۱-۴؛ بقره/۲۲۶-۲۲۷) و برخی دیگر تعدیل و اصلاح شد (بقره/۲۲۸-۲۲۹؛ طلاق/۱). به موجب آیات قرآنی، در عین تثبیت انحصار طلاق در دست مرد، توصیه مؤکدی به رعایت حقوق زنان گردید (نساء/۱۹).

#### ۴. تشریحات قرآنی پیرامون خانواده در مقایسه با کتاب مقدس

از مقایسه تطبیقی تعالیم قرآنی در باب خانواده با کتاب مقدس چنین به نظر می‌آید که هر چند در هر دو کتاب آسمانی، ازدواج تنها راه دینی و مشروع پاسخگویی نیازهای زیستی و تکثر نوع بشر به شمار می‌رود، اما نوع تعابیر دارای اختلاف قابل توجهی است.

در آیین مسیحیت ازدواج یکی از هفت آیین مقدس به شمار می‌رود و عقد ازدواج همچون سایر عبادات باید در کلیسا انجام گیرد. هر چند در این تعالیم، تکثیر نسل و ایجاد محبت نیز از جمله نتایجی است که پس از ازدواج محقق خواهد شد (ر.ک: استات، مبانی مسیحیت، ۹۸-۱۰۲)، لکن تجرد به عنوان روشی برای ادامه حیات ایمانی و خدمت بیشتر به دین سفارش شده است: «لیکن به مجردین و بیوه زنان می‌گویم که ایشان را نیکوست که مثل من بمانند، اما اگر پرهیز ندارند، نکاح بکنند؛ زیرا نکاح از آتش هوس بهتر است» (اول قرن‌تین، ۷: ۱-۹). در این رساله به صراحت، ازدواج فقط برای اجتناب از زنا جایز

شمرده شده و فی نفسه، امری قبیح محسوب می‌گردد، البته کسی که ازدواج نموده، گناهی مرتکب نشده، بلکه زمینه سختی و مشقت جسمی را برای خود فراهم آورده و خویشتن را از کمال بازداشته است. این در حالی است که فضیلت و رجحان ازدواج در تعالیم قرآنی، از مطلوبیت ذاتی آن حکایت دارد.

در کتاب مقدس تشریحات موجزی درباره نوع ساختار خانواده به چشم می‌خورد که به رغم اختصار با تعالیم قرآنی قرابت دارد؛ برای مثال، لزوم تبعیت زنان از شوهران و محبت به همسران در بعضی بیانات پولس مشهود است: «ای زنان شوهران خود را اطاعت کنید چنان که خداوند را؛ زیرا که شوهر سر زن است، چنان که مسیح نیز سر کلیسا و او نجات دهنده بدن است... ای شوهران، زنان خود را محبت کنید، چنان که مسیح هم کلیسا را محبت نمود و خویشتن را برای آن داد» (افسیسیان، ۶: ۴-۱).

پیروی از اصل تک همسری، یکی از اصولی به شمار می‌آید که کلیسا همگان را بدان ملزم نموده است (دورانت، تاریخ تمدن، ۱۱۱/۴).

در آیین مسیحیت فرزندان نیز به تبعیت از والدین امر شده‌اند (همان) و ازدواج برخی افراد با یکدیگر ممنوع است و موضوع اخذ اجازه از صاحبان تجربه برای عقد ازدواج در تعالیم مسیح نیز دیده می‌شود.

طبق تعالیم شریعت یهود، طلاق مجاز اعلام شده است و مطابق عهد عتیق مرد به مجرد اینکه همسرش را نپسندد، حق دارد او را طلاق دهد و پیوند زناشویی به مجرد نیت مرد قابل انفصال است و به اثبات موضوع خاصی نیاز نیست (ر.ک: تثیبه، ۲۴: ۱-۴)، در حالی که در تعالیم قرآنی، اصل بر حل اختلافات خانوادگی است و تنها در شرایطی که امید اصلاح و حفظ کانون زناشویی نرود، طلاق امکان‌پذیر می‌شود (نساء/۳۵). نکته جالب توجه آنکه رفتار نیکو و پایبندی به حقوق همسر حتی در مراحل جدایی همسران سفارش شده است (بقره/۲۳۱).

۴۵

در عهد جدید تعدد زوجات، شرعی نیست و امری حیوانی و به دور از مقام انسانیت تلقی شده است و مرد تنها در صورت ارتکاب همسر به زنا می‌تواند او را طلاق دهد (ر.ک: متی ۱۹: ۳-۹). لکن تعهد آسمانی و الزام‌آور نکاح هرگز قابل انفصال نیست، لذا ازدواج

مجدد زن پس از طلاق، زنا به شمار می‌آید (ر.ک: سکری، بی‌تا، ۶۸) «فریسیان آمدند تا او را امتحان کنند و گفتند آیا جایز است مرد زن خود را به هر علتی طلاق دهد؟ او در جواب ایشان گفت: مگر نخوانده‌اید که خالق ابتدا ایشان را زن و مرد آفرید و گفت از این جهت مرد، پدر و مادر خود را رها کرد تا به زن خویش بیبوند و هر دو یک تن خواهد شد؟ بنابراین، آنها دو تا نیستند، بلکه یک تن هستند و آنچه که خداوند پیوند داد، انسان جدا نمی‌سازد» (متی ۳-۱۹؛ نیز، ر.ک: مرقس ۲-۱۰؛ لوقا ۱۶-۱۸). پس طلاق جنبه قانونی ندارد و تنها در موارد خاصی از جمله ازدواج اجباری، ازدواج بدون اجازه مقامات کلیسا و... اجازه صدور حکم طلاق داده می‌شود. (ر.ک: دانای علمی، ۱۸۰).

### نتیجه

اعجاز تشریحی قرآن به معنای اعجاز قرآن کریم در حوزه قوانین و مقررات مطرح شده در آیات الهی می‌باشد و ناظر بر این بحث است که ارائه مقرراتی با برخورداری از چنین اتقان، تفصیل، دقت، جامعیت و مصلحت‌اندیشی، هرگز سابقه نداشته، متناسب با مفردات زندگی تمامی عصرهاست، به موازات تطور و تکامل انسان در طول تاریخ همواره قابل تحدی می‌باشد و بدین ترتیب حقانیت پیامبری رسول اکرم صلی الله علیه و آله را اثبات می‌نماید.

شمولیت قرآن کریم بر چنین قواعدی در حوزه خانواده موضوعی بسیار جالب توجه است. اهتمام به کرامت انسان‌ها، نفی برتری‌های جنسیتی، تناسب حقوق و وظایف و اخلاق محوری از بارزترین مبانی تشریحات قرآنی در حوزه خانواده به شمار می‌آید. جامعیت تشریحات در حوزه خانواده با استناد به آیاتی که ضمن سبب‌شناسی تشکیل خانواده، به ترسیم روابط زوجین با یکدیگر و فرزندان با والدین اختصاص یافته و کارکردهای مختلف خانواده را تبیین می‌نماید و ضوابطی جهت حل اختلافات در این ساختار ارائه می‌کند، ۴۶

مبرهن می‌گردد. طرح چنین سطحی از قوانین با دورنمای منحنی حاکم بر خانواده عصر جاهلی و در مقایسه با تعالیم کتاب‌های آسمانی پیشین در حوزه خانواده از جمله ادله‌ای است که اذعان به خارق‌العاده بودن تشریحات قرآنی در حوزه خانواده را نتیجه می‌دهد.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و گروهی از اساتید جامعه المصطفی (۱۳۸۸ش)، قم: انتشارات بین‌المللی المصطفی، چاپ دوم.
۲. آلوسی، محمود (بی‌تا)، *بلوغ الادب فی معرفه احوال العرب*، تحقیق محمد بهجه الاثری، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳. ابن منظور (۱۴۱۶ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴. استات، جان (بی‌تا)، *مبانی مسیحیت*، ترجمه روبرت آسریان، بی‌جا: حیات ابدی.
۵. باقلانی، محمد بن طیب (بی‌تا)، *اعجاز القرآن*، تحقیق احمد صقر، قاهره: دار المعارف.
۶. بلاغی نجفی، محمدجواد (۱۴۲۰ق)، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم: بنیاد بعثت.
۷. ترجمه تفسیری کتاب مقدس، انگلستان: انجمن بین‌المللی کتاب مقدس (۱۹۹۵م).
۸. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۰ش)، *تحقیق در دو نظام حقوق جهانی از دیدگاه اسلام و غرب*، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی.
۹. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۴ش)، *البیان فی تفسیر القرآن*، قم: المطبعة العلمیه.
۱۰. دانای علمی، منیره (۱۳۷۴ش)، *موجبات طلاق در حقوق ایران و اقلیت‌های غیر مسلمان*، تهران: اطلس.
۱۱. دورانت، ویل (۱۳۴۳ش)، *تاریخ تمدن*، ترجمه ابوالقاسم طاهری و احمد آرام، تهران: اقبال.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق: دارالعلم.
۱۳. سکری، محمد (بی‌تا)، *نظام الزوج فی الشرایع الیهودیه و المسیحیه*، بیروت: دارالفکر العربی.

١٤. سيوطي، جلال الدين عبدالرحمن (بي تا)، *الاتقان في علوم القرآن*، قاهره: مكتبة المشهد الحسيني.
١٥. طباطبائي، سيد محمد حسين (١٤١٧ق)، *الميزان في تفسير القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامي.
١٦. طبرسي، فضل بن حسن (بي تا)، *مجمع البيان في تفسير القرآن*، بيروت: مؤسسة الاعلمي.
١٧. طريحي، فخرالدين (١٤٠٨ق)، *مجمع البحرين*، تحقيق احمد حسيني، نشر الثقافة الاسلاميه.
١٨. طوسي، محمد بن حسن (١٣٨٧ش)، *المبسوط في الفقه الاماميه*، تحقيق محمدباقر بهبودي، مكتبة الرضويه.
١٩. عميد زنجاني، عباسعلي (١٣٤٦ش)، *اسلام و حقوق ملل*، تهران: دار الكتب الاسلاميه.
٢٠. فيروزآبادي، مرتضى (بي تا)، *القاموس المحيط*، لوح فشرده مكتبة اهل البيت عليه السلام.
٢١. مطهرى، مرتضى (١٣٦٩ش)، *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران: صدرا.
٢٢. معرفت، محمد هادي (١٤١٧ق)، *التمهيد في علوم القرآن*، قم، مؤسسة النشر الاسلامي.
٢٣. نوري، يحيى (١٣٤٦ش)، *اسلام و عقايد و آراء بشري*، مؤسسه مطبوعاتي فراهاني، چاپ دوم.
٢٤. نووي، محي الدين (بي تا)، *المجموع في شرح المذهب*، بيروت: انتشارات دارالفكر.